

۴ - ایام مهمه نه گانه و احکام و متعلقاتش

و از حضرت عبدالهء در خطابى است قوله العزيز: " ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید از کثرت مشاغل جواب مختصر مرقوم میگردد در ایام سنه نه روز اشتغال بشغلى فى الحقیقه جائز نه بعضى بنصوص الهیّه و بعضى قیاس بآن یوم اوّل و ثانى محرّم و سه یوم عید رضوان و یوم هفتادم نوروز و یوم نیروز و یوم بیست و هشتم شعبان و یوم پنجم جمادى الاولى¹ اما یوم ششم قوس اشتغال ممنوع نه اگر یاران احیاناً شادى مینمایند این طوعاً بدلخواه ایشان است اما فرض نه و واجب ایامى است که تعلق بجمال ابرى و نقطه اولى دارد یعنی این نه روز اشتغال بکسب و تجارت و صناعت و زراعت جائز نه و همچنین اجرای مقتضای مناصب و وظائف یعنی اجرای خدمت حکومت و علیک الهء الابى ع ع "

و در خطابه دیگر قوله العزيز: " همان یوم اول که دو بغروب مانده است در آن شغل و عمل جائز نه "

و در خطابى دیگر قوله العزيز: " در سه روز عید رضوان شغل حرام است روز اوّل و روز نهم و روز دوازدهم و همچنین عید مولود حضرت اعلى و عید مولود جمال مبارک و عید نوروز و عید مبعث مقصود آنکه در ایام اعیاد اشتغال حرام است اما در رضوان سه روز و اگر در نوروز نیز در ایام معدوده بیش از یکروز ترک اشتغال نمایند این عادت محبوب ولى فرض و واجب نیست "

و در خطابى دیگر قوله العزيز: " یوم مبعث حضرت اعلى و یوم هفتادم نوروز و روز بیست و هشتم شعبان و یوم اوّل محرّم و یوم ثانى محرّم و یوم نوروز و سه روز رضوان اشتغال بامور حرام است "

¹ روز بعثت اعلى یوم الکلمات من شهر العظمة سنه ۱ که ۵ جمادى الاولى ۱۲۶۰ ۲۳ می ۱۸۴۴ روز اوّل رضوان یوم القدره من شهر الجلال سنه ۱۹ اوّل ثور سنه ۱۲۷۹ - ۲۱ اپریل سنه ۱۸۶۳ روز شهادت یوم السلطان من شهر الکلمات سنه ۶ - ۲۸ شعبان سنه ۱۲۶۶ - ۲۹ جولای سنه ۱۸۵۰ صعود حضرت بهاءالله یوم العلم من شهر العظمة سنه ۴۸ دوم ذیقعه سنه ۱۳۰۹ - ۲۸ می ۱۸۹۲ و ایام مهمه مسلمین در حدیث از عبد الله بن مسعود از نبى ص انه قال ان الله قد اختار من الايام اربعة اولها یوم الجمعة و الثانی یوم عرفه و الثالث یوم التحر و الرابع یوم الفطر (ملخص از کتاب تنبيه الغافلین)

و نیز از آن حضرت در خطابی است قوله العزیز: "ایامی که اشتغال حرام است فلاح آبیاری را بروز بعد تأخیر نماید اما چوپان معذور است زیرا الضرورات تبیح المخطورات حیوانات گرسنه مانند اما مدیران اداره و صاحبان زراعت ولو رنجبران ایشان بهائی نباشند باید تعطیل شود"

و قوله العزیز: "در حق چوپان در ایام ممنوعه از کار در عید رضوان سخت گرفته نشده است بجهت این است که ظلم بحیوان است اما آبیاری میتواند محلی مهیا نماید که در ایام ممنوعه آب در آنجا جمع گردد و در اوقات سائره در زراعت داده شود"

و از حضرت ولی امر الله است قوله الصریح: "اشتغال بامور در ایام متبرکه منصوصه از محرّمات حتمیه ... موظفین ادارات و اطفالی که بمدارس اغیار میروند باید کمال سعی را در تحصیل اجازه معاف شدن بنمایند در صورت عدم قبول و امکان مطیع و منقاد باشند ... در خصوص خبازها و قصابها و صاحبان این قبیل مشاغل در نقاطی که مشاغل مزبوره منحصر باحباء است سؤال نموده بودید که در این قسمت استثنائی در ایام محرّمه متبرکه برای آنان است یا نه فرمودند بنویس کسر حدود هیچوجه من الوجوه جائز نه و استثنائی مقبول و محبوب نبوده و نیست سستی و تهاون در اینمورد علت ازیناد جرئت و جسارت دشمنان امر الله خواهد گشت"

و در ابلاغیه است: "راجع بتقاضای اماء الرحمن در افتتاح مدرسه بشرحی که معروض داشته بودید فرمودند بنویس مقبول و پسندیده نبوده و نیست مشروعات مستقله امریه چه رسمی و چه غیر رسمی باید من دون استثناء متمسک بحدود الله و مروج اصول شریعه الله باشند تأسیسات مستقله ادبی و علمی و تجاری بهائیان در ایران باید کل من دون استثناء تنفیذ حکم کتاب الله را نمایند و در اجراء شعائر امریه و احترام نوامیس الهیه و اعلائی شأن و عزت جامعه بر افراد سبقت جویند و مصالح شخصیه و منافع مادیه و عزت ظاهره را فدای مصالح امر الله و مقتضیات دین الله و احتیاجات شریعه الله نمایند این است مأیه سعادت حقیقی یاران و علت اصلی تقدّم و استخلاص آئین حضرت یزدان در آن سامان"

و قوله المطاع الاکید: "و اما محافل و لجنات و دوائر امریه در ایام اعیاد و مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی ولی قرار قطعی و نهائی در آن خصوص راجع به بیت العدل عمومی است"

و نیز از حضرت عبدالبهاء در خطاب بمیرزا قابل آبا ده ای است قوله المحبوب: " در سؤال و جواب مندرج یوم بعثت در یوم کمال از شهر عظمت واقع و یوم شهادت در یوم سلطان از شهر رحمت واقع این نصّ قاطع است و نصوص قاطعه را هیچ امری معارضه ننماید بعد چنین خواهد شد ولی چون در ایام مبارک این دو یوم مقدّس در پنجم جمادی الاولی و بیست و هشتم شعبان گرفته میشود و در ساحت اقدس احبّاً حاضر شده اظهار سرور میفرمودند و در یوم شهادت اظهار حزن و تأثر شدید از شمائل جمال مبارک ظاهر لهذا ما نیز الی الآن این دو یوم را در این دو تاریخ میگیریم ولی آنچه نصوص است بعد مجری میشود در یوم شهادت حضرت اعلی و صعود جمال قدم اشتغال امور دنیا جائز نه اما در خصوص یومین مولودین نصّ در یوم اوّل و یوم ثانی محرّم وارد شده است "

و از حضرت عبدالبهاء قوله العزیز: " هو الابهی سبحانک اللهم تقدّس ادنی آیه من آیات ملکوتک عن المحامد و التّعوت فی جمیع الشؤن و ... جناب اسم الله آنچه مرقوم نموده بودند ملاحظه گردید ... اما در خصوص عقد مجالس عهد مرقوم فرموده بودند هیچ قضیه اعظم و اقوی و اشدّ و اکبر از نفس میثاق الهی و ایمان و پیمان ربّانی تصور نتوان نمود چه که در هیچ کوری چنین امری واقع نشده که در کتاب اقدس بیست و پنجسال پیش از صعود این نصّ صریح صحیح منصوص گردد و جمال قدم جمیع احبّایش را باین فیض الهی پرورش دهد و تربیت فرماید و بعد بآثر قلم اعلی عهدی ... محکم متین بگیرد در جمیع الواح و زبرش ذکر این عهد را بفرماید و تشویق متشبّثین را بنماید و تبری از ناقضین بکند اگر کسی باین حبل متین و زنجیر حدید مرتبط نگردد بچه حبل او را توان بست سلاسل و اغلال عالم وجود او را نبندد ولی آنجناب اگر بخواهند که در اینخصوص اسباب فراهم آورند که اسباب شدّت تشبّث گردد آیات و کلماتی که در این خصوص عهد و میثاق در جمیع الواح الهی نازل جمع فرمایند و بعد از قرائت کتاب عهد در مجلس آن کلمات را تلاوت فرمایند که شأن ثابتین چه و شأن متزلزین چه این از جمیع امور اعظم است .

اما در خصوص یوم جلوس مرقوم فرموده بودند جلوس این عبد این است که بعبودیت آستانه مبارکه و نشر نفعات قدسش و اعلاء کلمه اش بتأییدات ملکوت امهایش موقّ شویم پس از صعود آن جمال مبین و افول آن شمس علیّین و محرومی و حرمان و مهجوری و هجران از مشاهده آن انوار تابان ای خاک بر سر من

و بر جلوس من الیوم باید که جمیع توجّهات محصور بر اعلاء شوؤن تقدیس و ظهور حقایق تنزیه و اشتغال بر استقرار بر کلمات الله گردد در ملاً عالم بین امم به نشر نفعات جانبخش حضرت احدیت مشغول شد .

در خصوص مسألهٔ یوم معلوم همانست که از پیش مرقوم گردید بعد ملاحظه شده که آنحضرت قدری از آن جواب افسرده شدید و از جهت دیگر نیز اصرار در این مسأله کسان دیگر در جهات سائره بینهایت مینمایند و شاید در جائی بدون استیذان اجرا نمایند آنوقت اسباب حزن شدیدی از عدم اجازه بجهت آن حضرت حاصل گردد لهذا این قضیه را موکول و محوّل بر رأی خود آنجناب نموده که بهر قسم و هر وقت که مصلحت بدانند مجری دارند اگر صد و هشتاد روز چیزی از یوم صعود بگذرد که اُبعد ایّام از یوم صعود باشد بهتر است و اگر چنانچه کلّ از این فکر بگذرند خوشتر و دلکش تر آید الیوم جمیع افکار را در توسیع دائرهٔ تبلیغ و شوق و ذوق احبّاء باید صرف نمود **عع** "

و از حضرت ولیّ امرالله در ابلاغیهٔ ای است : " تاریخ بعثت و شهادت حضرت اعلی و جلوس حضرت عبدالهّاء همان است که در ایّام مبارک حضرت عبدالهّاء در بین احبّای غرب معمول و مجری بود تغییری داده نشد و قرار قطعی نهائی راجع به بیت عدل اعظم است و فرمودند اصل لوح مبارک که بافتخار جناب قابل است بعنوان این عبد ارسال دارند